

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Ideological

afgazad@gmail.com

مسایل ایندولوژیک

محمد سرور رنا
از مونشن : المان

اسلام از نظر یک کشیش دانشمند کا تولیک کلیسای بزرگ واتیکان در روم

چندی قبل از رسانه های نشراتی خبری خوب ، دلچسپ ، مفید و بشردوستانه اما غیرقابل باور که اجرای آنهم به نظر این عاجز هیچمدان ناممکن دیده میشد، شنیدم؛ مبنی بر اینکه یک عده شخصیت های روحانی و علمای کرام اسلام به وسیله نامه ای عنوان جناب بندیت شانزدهم پاپ کلیسای کاتولیک واتیکان، از ایشان دوستانه خواسته اند که جهت ایجاد حسن تفاهم بین اسلام و عیسویت باب مذاکره را بکشایند تاهیات های هردو جانب درباره رفع اختلافات هردو عقیده بزرگ دینی و یافتن عوامل ناسازگاریها که باعث ایجاد سروصدا و عداوتها میگردد، قدمی بردارند. این مفکوره نیک و عالی و بشردوستانه، مرا وادار میسازد خلاصه مطالب واقعی اثر یک مسلمان حقیقی و راستین جهان اسلام را به عرض رسا نم.

اعتراف باید کرد، طوریکه قبلاهم تذکرادم نظریه، خوب ، عالی و مفید میباشد اما اجرای آنرا کار بسیار مشکل و ناممکن میدانم زیرا این پرابلم و معضله را در صورتیکه پیامبر به حق اسلام رهبر مسلمانان جهان، با آنهمه کمک و پشتیبانیهای خالق توانا که باخود داشت از بین برده نتوانست که شاید اراده الهی چنین بوده، مسلمانان سیاسی امروزی ما که درگودال غفلت تا گلوغرق شده اند چگونه از عهده چنین کار بزرگی برآمده میتوانند؟ البته آن برادران مؤمن واقعی که صلاحیت چنین مذاکرات را دارند ویا میتوانند کاری انجام بدهند هیچگاه خود را آله دست شعبده بازان انگلیس و امریکا وسایر دشمنان اسلام نمیسازند و میدانند که در پشت پرده این فریبکاری و حقه بازیها چه کسانی قرار داشته و چگونه رولهای شیطانی بازی می کنند. لهذا هیچگاه خود را آلوده نمی سازند. همچنین در باره یکعده روحانیون سیاست باز کشور خود ما که بنام روحانیون، ریش و عمامه گذاشته و فعالیت دارند نمی دانم چه بگویم. در طول تاریخ در برابر این مردم مسلمان و صافدل وطن خود چه کارهای انجام داده و همین اکنون فرزندان و بازماندگان و تازه تربیه شدگان دستگاههای تبلیغاتی انگلیس که درین نیم قرن اخیر فعال شده اند کارهای انجام میدهند که شیطان در مقابل اینها راه خود را گم کرده و به درگاه خداوند حیران مانده و نمیداند که اینها با این مهارت از کجا؟ و از کدام ستاره؟ یا کره فضائی آمده اند که هریک شان نه تنها در مقابل ابرو و دالر الله

هو گویان اتن میاندازند بلکه یا درمراقبه رئیس جمهوری ترانشند یا در عالم خیال موهای وطنداران سرکل ما را چنان شانه میزنند که آن بیچارگان خوش باور فکر میکنند موهای دراز دارند.

اینک به اصل مطلب داخل گردیده با اجازه خوانندگان محترم یک کشیش دانشمند و عالی مقام و تحصیل کرده فاکولته الهیات مسیحیت در واتیکان مقر پاپ بزرگ کاتولیکهای جهان را که بعد از یک سلسله مطالعه و تحقیق درباره مسیحیت و اسلام نظر خود را تحت نامه ای نهایت مختصر و ساده و پرمحتوی تحریر و به نام پاپ بزرگ جهان عیسویت در واتیکان فرستاده و در آن پیشنهاد در باره آشتی اسلام و عیسویت کرده معرفی میدارم و درختم آن، خلاصه نظرپیشنهادی وی را که خطاب به جهان عیسویت اظهار داشته است توضیح میدارم اگر جناب پاپ بزرگ کاتولیک های جهان بتوانند با در نظر داشت آن مفکوره که نها یت علمی و منطقی می باشد اندک گذشت نشان بدهند شاید راه مذاکرات بین دو دین بزرگ جهان کنونی بازگردیده و طرفین با همکاری دانشمندان با صلاحیت و پاک و شریف هر دو جانب بتوانند کار مفیدی انجام بدهند.

این انسان شریف و دانشمند در سال ۱۸۴۷ میلادی در منطقه ارومیه در یک فامیل ارمنی متولد گردیده و فامیلش بوی بنیامین نام میگذازد. همینکه به سن هفت سالگی میرسد در یکی از مکاتب ابتدائی منطقه خود شامل درس گردیده و به اثر استعداد خداداد مدرسه ابتدائی را به سر رسانیده و جهت تحصیلات عالی عازم خارج میگردد. بعد از انجام تحصیلات لیسانس در رشته الهیات مورد توجه هیأت درسی و سایر علاقمندان قرار گرفته به عضویت هیأت تربیتی میسیون اسقف اعظم کانتربری (Canterbury) شهر مقر اسقف اعظم کلیسای پروتستانت انگلیس تعیین میگردد. بعد از سه سال خدمت صادقانه درینجا چنان مورد توجه و علاقمندی کارگردانان کلیسا واقع میگردد که پاپ بزرگ این کلیسا او را جهت تحصیلات مزید به روم فرستاد که در مدرسه تبلیغاتی فیده (Propaganda Fida College) سه سال دیگر در رشته فقهی و فلسفی به تحصیل پردازد و بعد از ختم این تحصیلات یعنی در سال ۱۸۹۵ به حیث کشیش در کلیسای روم تعیین و به خدمت آغاز کرد. وی در ضمن سایر خدمات به انتشار یک سلسله مقالات مذهبی و تبلیغاتی پرداخت و در سال ۱۸۸۲ یک سلسله مقالاتی برای نشریه دی تابلیر (The tabler) تحت عنوان آسوریه، روم و کانتربری و یک سلسله مقالات هم برای نشریه ایریشه رکورد (Irish Record) تحت عنوان "سندیت اسفار خمسه موسی" نوشت. همچنین در همین زمان اوی ماریا (Ave Maria) را به چند زبان خارجی ترجمه و در نشرات مختلف مخصوصاً نشرات فعالیت میسیونهای مسیحی به چاپ رسانید. بالاخره در ۱۸۹۵ جهت خدمت در عیسویت به وطن خود برگشت که در بین راه عودت مدتی در استانبول متوقف گردیده و در آنجا هم به انتشار چندین مقاله به السنه فرانسوی و انگلیسی درباره کلیسا و خدمت به آن پرداخت و ضمناً با سید جمال الدین افغانی نیز آشنا شده و به وی علاقمندی پیدا کرد و تبادل نظرهایی هم بین شان صورت گرفت.

موصوف عندالوصول به وطن خود هم به میسیون لا زاریست فرانسوی پیوست و هم به انتشار یک سلسله مضامین به زبان سریانی و نشریه به نام (قلذاره شراره) یعنی ندای حقیقت پرداخت.

در سال ۱۸۹۷ اسقف ارومیه سلماس او را به نمایندگی کلیسای شرق برای شرکت در کنگره عشای ربانی در فرانسه اعزام داشت او در آنجا درباره عیسویت بیانیة پر شور و تکاندننده انتقادی ایراد کرد که موجب توجه تمام شاملین کنفرانس واقع گردید.

این پدر روحانی مسیحیت که تازه در حال بزرگ و معروف شدن بود در سال ۱۹۰۰ میلادی در حضور تعداد زیاد شنوندگان پیروان مسیحیت که از مناطق مختلف جهان در کلیسای که او می خواست آنجا صحبت کند جمع شده بودند بیانیة مهم و موثر و به یاد گار ماندنی خود را به حیث یک اسقف کاتولیک در مورد مذهب نسطوری عیسویت که در حال فرقه فرقه شدن و پاشیدن بود ایراد کرد.

هدف وی ازین سخنرانی این بود که بگوید میسیونهای امریکا، انگلستان و فرانسه و روسیه به جان نسطوری های ارومیه که درحال پاشیدن است آمده اند که به خود جذب کنند اما طوری جدال دارند که دریایان کار شاید ارتودوکس روسیه موفق شده و آنرا به خود جذب کند، همانطور هم شد.

بنیامین کلدانی درمیان اینهمه افکار مذهبی مختلف جهان عیسویت طوری قرار گرفته بود که گاهی نزدش سؤالهای پیدا شده و او را متردد میساخت، مثلاً از خود می پرسید آیا این عیسویت را با اینهمه فرق متعدد و کتب مذهبی مختلف که متن یکی با دیگری تنها سر نمیخورد بلکه چنان اختلافات فاحش دارند که اگر یک کتاب مذهبی درباره موضوعی صحبت میکند کتاب مذهبی دیگری از آن بیخبر است و یا آنرا به کلی رد میکند میتوان دین حقیقی و کلام الهی قبول کرد؟ و دین اسلام روی کدام پایه و اساس استوار بوده؟ و محمد پیامبر آن براساس چگونه مدارک و اسناد معتبر و دلایل منطقی و علمی صحبت کرده و ادعای پیغمبری مینماید؟

این افکار و خیالات او را مجبور میسازد که درین باره باید بر پایه کتب و اوراق و اسناد و یادداشت های حاصله از کتابخانه بزرگ کلیسای واتیکان مقریپ اعظم که خودش هم در آن جا کار میکرد به تحقیق و تجسس علمی بپردازد.

بالاخره در تابستان ۱۹۰۰ میلادی در کلبه کوچک خود پناه برده در آنجا به مدت یکماه از بام تا شام به مطالعه کتب مقدسه و سایر اسناد در همین زمینه به زبانهای ارمنی، سامی، فارسی، لاتین عبری، عربی، اسوری، فرانسوی و انگلیسی که خوب میدانست و همه اسناد را هم در اختیار داشت به مطالعه میپردازد. ضمناً حین مطالعه در مواقع نماز و دعا از بارگاه خداوند هادی و یکتا التجاء می کند که با کمک خویش به او راه صحیح و صواب را بنماید که دعایش مستجاب گردیده هم مطالعه اش انجام می یابد و هم بحران روحی و تشوشات فکری وی موفقانه و سعادتمندانه آرامش می یابد و از همین لحظه اسلام را مکمل و به حق و قران مجید را آسمانی و کلام الهی و عاری از کمترین شک و تردید و یا اشتباه دانسته نه تنها به آن میگراید و عوض بنیامین بر خود اسم عبدالاحد داوود می گذارد بلکه قلم را برداشته نامه ای با تمکین، پرمحتوا و نهایت زیبا در حالیکه اشک مسرت از دیدگانش جاری بود عنوانی پاپ بزرگ کاتولیک های جهان به واتیکان مبنی بر استعفای برگشت ناپذیر از رتبه و مقام اسقفی کلیسای تثلیث و ارتقاء به مقام ساده اما والای یک مسلمان موحد نوشته ارسال میدارد و درین نامه علل و موجب کناره گیری خود را از مقام اسقفی کلیسای تثلیث و قبول دین به حق اسلام با دلایل علمی و ارائه براین اسناد قاطع و را ستین روشن ساخته است.

بعد از رسیدن این نامه در روم مرکز کلیسای بزرگ کاتولیک جهان و انتشار آن در کانتر بوری انگلستان مقر اسقف کلیسای پروتستانتان سروصدائی در تمام حلقه های جهان عیسویت برخاسته و هیأت هائی از هر گوشه و کنار این دستگاه ها به منظور برگشت جناب عبدالاحد داوود ازین تصمیم راهی ارومیه محل اقامت این مرد بزرگوار شدند. اما همه رفت و آمد ها بی نتیجه بود چون او با هیچ کسی از روحانیون یهود یا مسیحیت و یا پاپ ها کوچکترین اختلافی یا بدبینی نداشته بلکه تا آخرین لحظه که دین اسلام را گزید با همه جهان مسیحیت همکار صمیمی و فقط موضوع ایمان و وجدان مطرح بحث بود و همین موضوع وی را مسلمان ساخته بود.

این مرد مؤمن واقعی و عالقدر در زندگی نامه خود نوشته، ملاقات وی با جناب سید جمال الدین افغانی در اسلامبول در اسلام گزینی اش بی تأثیر نبوده.

بعد از قبول دین مبین اسلام چون امتیازات کلیسایی را کاملاً از دست داده و به مشکلات مالی مواجه میگردید به اداره پوست مرکزی شهر خود داخل وظیفه گردیده و با معاش ماهواره امرار حیات میکند. بعداً به حیث معلم و ترجمان کار میکند و در سال ۱۹۰۲ به انگلستان برگشته عضویت انجمن موحدین را میپذیرد و با عواید آن به زندگی عادی ادامه میدهد.

وی روزی درضمن مصاحبه به جواب سؤالی گفت به اسلام رو آوردن مرا نباید طور دیگر تحلیل و تصور کنید فقط و فقط ارشاد والهام رحیمانه خالق یکتا، بی‌زوال و متعال می‌باشد. بدون این ارشاد الهی جستجو، آموزش و کوشش در راه حقیقت نه تنها مثمر نیست بلکه احتمال آن وجود دارد که انسان را به گمراهی و سیاه روزی و بدبختی بکشانند.

وی هم‌شه می‌گفت از آن لحظه که من بدین اسلام رو آورده و به عکس عیسویت به وحدانیت خالق ایمان آورده ام، رسول معظم و عالی مقام او حضرت محمد بن عبد الله صلعم سرمشق رفتار و کردار زندگی من شده.

وی بعد از قبول اسلام طوریکه قبلاً هم متذکر شدم به استناد تمام اوراق و اسناد کتب و رسایل مخصوصاً تورات و انجیل و قرآکریم که به السنه عبری، نسطوری، لاتین، دری، فرانسوی، انگلیسی، یونانی و غیره به دست داشت مقالات متعدد تحت عناوین مختلف به مقصد تثبیت پیامبری حضرت محمد (ص) از زبان چندین پیامبران بنی اسرائیل در فصول جداگانه به زبان انگلیسی تحریر و در نشرات انگلستان و بعضی کشورهای اسلامی منتشر ساخته است.

هموطن نهایت مهربان! درین باره اگر کمی عمیقانه توجه کنیم می‌بینیم در صورت خواست خداوند (ج) در یک کشور چنین انسانهای مؤمن و شریف، مبارز و با شهامت بار می‌آورد و اگر نخواهد مانند روحا نیون سیاسی و طنفروش و مادی پرست موجود کشور ما را به قدرت میرساند.

اینست خلاصه نظریات این دانشمند

مورد بحث ما در مورد اسلام

جناب عبدالاحد داوود در مقدمه مقالات خود که بعداً یعنی طی مقالات آینده از آنها تذکر به عمل خواهد آمد چنین نوشته: هدف من از تحریر این مقالات اثبات حقایق مکتب اسلام در زمینه الوهیت ذات متعال و رسالت آخرین پیامبر بزرگ اسلام بر اساس تعالیم کتاب مقدس تورات و انجیل است و هم مجبورم این نکته را واضحاً بگویم تمام نظریات من که در مضامین محمد در تورات و انجیل گنجا نیده شده کاملاً جنبه شخصی داشته و من تنها مسؤول تحقیق و بررسیهای خودم در مکتب مقدسه عبرانی می‌باشم و در زمینه تعالیم اسلام به هیچ وجه خود را در مقام یک فقیه قرار نداده، فقط نظر مؤمنانه شخص خود را تشریح کرده ام. ازینهم گذشته قصد من این نیست که احساسات مذهبی دوستان مسیحی و یهودی خود را جریحه دار بسازم و این را هم ناگفته نمی‌گذارم که من ابراهیم خلیل الله و عیسی روح الله را مانند محمد رسول الله و دیگر پیامبران و رسولان مقدس خداوند قلباً و روحاً دوست دارم.

هدف من ازین تحقیق و تذکرات مطرح ساختن بحث تلخ و ناموزون و یا نا معقول و ناخوش آیند با ارباب کلیساها نیست. من فقط آنان را به یک بررسی دوستانه و مطبوع و خوش آیند درباره مهمترین مسأله جهان دعوت میکنم و مایلم که ضمن آن روحیه بیطرفانه و دوستانه خود را حفظ کنند. اگر عیسویان از کوشش بیهوده خود در جهت تعریف ماهیت ذات باری تعالی دست بردارند و به وحدانیت مطلق خداوند اقرار کنند، نگاه اتحاد و وحدت میان آنان و مسلمانان نه تنها محتمل بلکه به یقین می‌گویم کاملاً ممکن خواهد بود، زیرا باتوافق درین زمینه، سایر موضوعات به سادگی و آسانی میان دو دین حل و فصل می‌گردد.

در آینده اگر حیات باقی بود خلاصه بعضی مقاله ها و نظریات این دانشمند عالیقدر را که در مورد حضرت محمد (ص) خاتم پیغمبران به اساس آثار و مدارکی که از منابع جهان عیسویت به دست آورده و تحت مقالات جداگانه به انگلیسی نوشته و درج راید انگلیسی زبان بعضی از کشورهای اسلام طبع کرده و بعداً به دری ترجمه شده است توضیح خواهم داد.